

# فصل نامه

سبک زندگی اسلامی

اصل قضیه  
تمدن سازی نوین اسلامی

مستقل-شماره ۱۵-بهار ۹۹



تلاش غرب در ترویج  
سبک زندگی غربی در ایران،  
زیانهای بی جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و  
سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با  
آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه میطلبد که باز  
چشم امید در آن به شایگانها است.

مقام معظم رهبری





هنردر جمهوری اسلامی یک وسیله و ابزار و از شمار بهترینهاست لکن  
جمهوری اسلامی حرفی بر لاکتشر و پاییده لاس بر لاس عرضه کرد که دلداد، این  
عرضه باید با بهترینها شود تا که همای، هنر است و انجام گیرد.



رهبر معظم انقلاب اسلامی

## سزا

نشریه تحلیلی تبیینی / سال اول / شماره ۱ / بهار ۹۹

دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: فاطمه غریب شاه

سردبیر: سارا حیدری

هیئت تحریریه: نرگس رسولی - هدیه کحالی وطن - س.ف - زهرا طاهریان

فاطمه غریب شاه

طراحی جلد و صفحه آرایی: محمد ابراهیمی

باتشکر از: خانواده محترم شهید جاوید الاثر علی جمشیدی و

جناب آقای مرتضی بنی زهرا



نشریه سزا



دانشگاه الزهرا



جاهلیت مدرن

۴

تربیت صحیح ؛ دالان موفقیت

۵

انتهای راه

۶

چراغ خاموش

۷

پای درس استاد

۸

حق اشتغال تا ناکجا آباد

۹

شیعه حقیقی

۱۰

خانواده تراز

۱۱

بالتر از ایثار جان

۱۲

نمایش خانگی یا بتدال خانوادگی

۱۵

مادر انقلاب

۱۶

شیعه حقیقی

۱۸

دیگه نوبت آقایونه

۱۹

گردش در فضای مجازی

۲۰



## نویسنده: هدیه کحالی وطن

### دانشجوی کارشناسی فیزیک

برسید، باید ذهنتان را از تفکرات غربی در مورد زن تخلیه کنید. نمیگویم بی‌اطلاع بمانیم، نه؛ ما طرفدار بی‌اطلاعی نیستیم، بنده طرفدار آگاهی و آشنایی هستیم، اما مرجعیت آن افکار را به کلی رد کنیم. افکار غربی‌ها، نظرات غربی‌ها، در زمینه‌ی مسئله‌ی زن مطلقاً نمیتواند مایه‌ی سعادت و هدایت جامعه‌ی بشری باشد. اولاً تفکرات آنها، تفکراتی است مبتنی بر معرفت‌شناسی مادی و غیرالهی، که این خودش یک غلطی است.

«۱۳۹۳/۱/۳۰ در دیدار بانوان برگزیده کشور»

بنابراین با توجه به بیانات حضرت آقا می‌توان به این نتیجه رسید که راهی که پیش روی ما وجود دارد و منطقی‌ترین و مناسب‌ترین راه هاست این است که منابع شناخت زن و جایگاه بانوان را در دو جبهه حق و باطل هر دو بررسی کرد و شناخت و سپس با عقل و دین و قرآن که بهترین منبع هاست روش بهتر را برگزید.

به نظر حقیر کار در شکل‌های دانشجویی و همچنین مراکز فرهنگی برای شناخت هرچه بهتر ظرفیت بانوان از جمله مناسب‌ترین راه هاست.

به امید سربلندی بانوان ایران زمین.

متأسفانه نگاهی که غرب به زنان جامعه خود دارد نگاه مورد پسند دین مبین اسلام و فطرت پاک بشری نمی‌باشد. نگاهی که متأسفانه فقط مبتنی بر ارزش‌های دنیوی شامل مادیات و شهوات می‌باشد و این ادعا را می‌توان به راحتی و به وفور در بسیاری از شهرهای اروپایی مشاهده کرد. همچنین با توجه به فرموده رهبر معظم انقلاب با در دست داشتن امکانات تبلیغی زیاد همواره در تلاشند تا این نوع نگاه نامطلوب را با ظاهری آراسته و مقبول ولی باطنی ناپاک به تمام دنیا تحمیل کنند.

اگر ما می‌خواهیم درباره‌ی مسئله‌ی زن درست فکر کنیم و درست حرکت کنیم و دچار خطا نشویم، باید ذهنمان را از حرف‌های کلیشه‌ای فراورده‌ی غربی‌ها به کلی خالی کنیم. غربی‌ها نسبت به مسئله‌ی زن بد فهمیدند، بد عمل کردند و همان فهم بد و غلط و عمل گمراه‌کننده و مهلک خودشان را به صورت سگه‌ی رایج در دنیا مطرح کردند. علیه هر کسی هم که بر ضد نظر آنها حرف بزند، دستگاه تبلیغاتی وسیع آنها هوجبگری میکند، مجال حرف زدن هم به کسی نمیدهد. اگر می‌خواهید درباره‌ی مسئله‌ی زن راهبرد درست را پیدا کنید و این راهبرد را با اجرائیات و الزامات اساسی آن همراه کنید و در بلندمدت پیش بروید و به نتیجه

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری و تأکید ایشان به شکل‌ها بر توجه به موضوع زن در غرب بر آن شدیم تا به جملاتی چند در باب این موضوع اشاره کنیم.

آنچه امروز دستگاه‌های سیاسی غرب ترویج میکنند، همان جاهلیتی است که بعثت پیغمبر برای زدودن آن - از محیط زندگی بشر - به وجود آمد. نشانه‌های همان جاهلیت، امروز در دنیا، در این تمدن رایج فاسد غربی، مشاهده میشود؛ همان بی‌عدالتی، همان تبعیض، همان نادیده گرفتن کرامت انسان، همان عمده کردن مسائل جنسی و نیازهای جنسی.

قرآن کریم خطاب به همسران مکرم پیغمبر میفرماید:

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»؛ یکی از نشانه‌های جاهلیت اولی، تبرج زنانه است.

امروز یکی از عمده‌ترین مظاهر تمدن غربی، همین تبرج است، این همان جاهلیت است، منتها جاهلیتی که توانسته است خود را با سلاح تبلیغات مدرن مجهز بکند، حقایق را از چشم مردم بپوشاند؛ اینها را باید ما مسلمان‌ها بفهمیم، اینها را باید بدانیم.

«۱۳۹۳/۰۳/۰۶ دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی»





نویسنده: زهرا طاهریان

کارشناس ارشد مطالعات زنان

بپردازیم در این مقال نمیگنجد به طور کلی می‌توان گفت خانواده بایستی در اصول تربیتی فرزندان دقت بیشتری داشته باشند چرا که بی توجهی در همین مسائل می‌تواند بعدها در ازدواج و زندگی مشترکشان مشکل ساز شود. از اصول تربیتی که بگذریم به نقش خانواده در زمان ازدواج می‌رسیم. خانواده در موضوع ازدواج نباید دیکتاتورمانه رفتار کند چه در اصل موضوع ازدواج چه در انتخاب شخص؛ والدین نسبت به شخصی که فرزندشان معرفی می‌کند نباید موضع گیری کنند که مثلاً "فلانی هرگز" یا فرزندشان را سر دوراهی انتخاب خانواده و شخص مورد نظر فرزندشان قرار دهند. در نهایت در موضوع ازدواج والدین نظر موافق یا مخالف خویش را عمل‌کنند و تصمیم نهایی را برعهده فرزند بگذارند چرا که این فرزند آنان است که می‌خواهد بار سنگین مسئولیت را بر دوش بکشد. اما می‌توانند به عنوان دوست و مشاور به فرزند خود در انتخاب منطقی و آگاهانه کمک کنند.



آنچه در اصول تربیتی فرزند باید به آن توجه داشت بسیار گسترده است؛ اما از جمله موضوعاتی که گاهی در زندگی مشترک افراد را دچار مشکل می‌کند عدم مسئولیت‌پذیری و تعهد است، بنابراین فرزندان خویش را باید از همان دوران کودکی به گونه‌ای تربیت کرد که مسئولیت‌پذیر باشند. یکی دیگر از مسائل عدم تعهد به زندگی مشترک است که فرد را با مشکلاتی چون خیانت رو به رو می‌کند با این وجود لازم است که والدین متعهد بودن را نیز در فرزندان خود نهادینه کنند. با سخن گفتن از این مسائل کار پیش نمی‌رود بایستی در رفتار و عمل آن را به فرزندان آموخت و این آمادگی را در آنان به وجود آورد.

## با سخن گفتن از این مسائل کارپیش‌نمه‌رود بایسته در رفتار و عمل آن را به فرزندان آموخت

از جمله مسائل دیگر که در زندگی‌های امروزی مشکل‌آفرین است سطح تحمل پایین افراد است. گاهی اوقات فرزندان در خانواده درس صبوری نمی‌آموزند و همین مسئله بعدها در زندگی مشترک برای آنان مشکل ایجاد می‌کند، اگر بخواهیم به تک تک مسائل

از جمله مسائل مهم زندگی هر فرد مسئله ازدواج است. موضوعی که انتخاب آگاهانه آن در پیچه گام نهادن در مسیر خوشبختی را به روی فرد باز می‌کند. خانواده در ازدواج فرزندان نقش مهمی دارد تا جایی که اسلام یکی از حقوق فرزندان را ازدواج می‌داند. انسان برای تصمیم‌گیری در موضوعات و مسائل مختلف نیاز به مشاوره و همفکری دارد بنابراین در مورد مهمی چون ازدواج که تمام زندگی و آینده فرد را می‌سازد هر فرد نیاز دارد که والدین نه تنها به عنوان پدر و مادر بلکه پا فراتر نهاده و به عنوان یک دوست و مشاور به فرزند خود کمک کنند. افراد برای تصمیمات و انتخاب‌های مهم زندگی خویش نیاز به آمادگی قبلی دارند و این آمادگی در موضوع ازدواج بیشتر از تصمیمات دیگر زندگی خود را نشان می‌دهد. دستیابی به آگاهی که از آن سخن گفتیم از طریق محیط آموزشی و خانوادگی برای فرد میسر می‌شود.

شاید اگر از این زاویه به موضوع نگاه کنیم که چه آسیب‌ها و مسائلی منجر به فروپاشی خانواده‌ها در جامعه کنونی می‌شود بهتر بتوانیم به این سوال پاسخ دهیم که خانواده چه آمادگی و آگاهی بایستی در فرزندان خود قبل از ازدواج به وجود بیاورند.



برای خدا که زندگی کنی هوایت را خواهد داشت. محال است هوایش بهت نباشد. اولین قدم برای برداشتن یک هدف درست، امید به آینده است. اگر به آینده امیدوار نباشی حتی اگر هدف هم نداشته باشی خیلی موفق نخواهی شد. اما امید است که زنده کننده‌ی، هدف توست. پس امید به خدا را از همین حالا شروع کن،

از زندگی چه می‌خواهی؟

۱- دقیقاً تصمیم بگیرد از زندگی چه می‌خواهد؟

۲- بنویسد. اهداف باید نوشته شوند.

۳- مهلت تعیین کنید.

۴- موانع را شناسایی کنید.

۵- دانش و اطلاعات لازم را برای رسیدن به آن کسب کنید.

۶- برنامه ریزی کنید.

۷- کسانی که در این راه کمک و همکاریشان برای رسیدن به هدفشان کمک‌تان می‌کنند را شناسایی کنید.

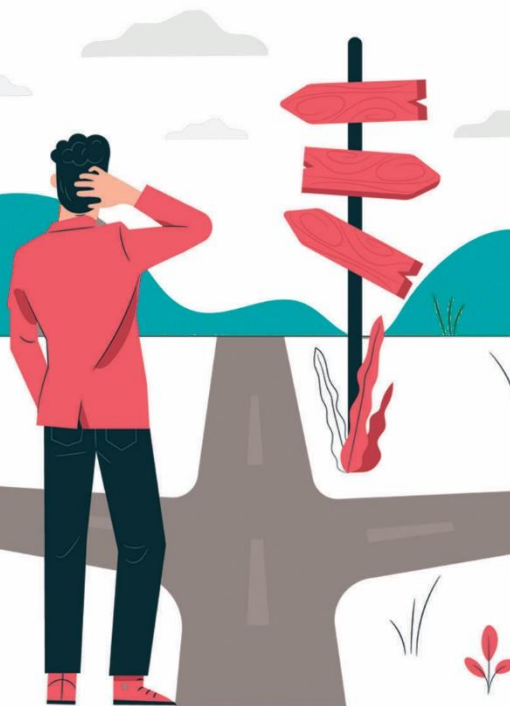
۸- مهم‌ترین کاری که باید در هر روز انجام دهید را انتخاب کنید.

۹- منظم باشید؛ تمرکزتان را فقط روی هدفتان بگذارید.

و در آخر برای رسیدن به هدفتان بجنگید و در این مسیر از خداوند کمک بگیرید.

رضای او باشد، مرد هم هدفش از زندگی کردن، قرب و رضای الهی باشد، آنگاه وقتی آن دو نفر با یکدیگر ازدواج می‌کنند، هر دو هدف واحدی دارند که باعث سعادتشان می‌شود؛ در نتیجه رشد و سعادت هر کدام از آن دو باعث می‌شود که خودشان هم بیشتر به هم نزدیک بشوند. مگر می‌شود زن و مردی عاشق خدا باشند ولی عاشق یکدیگر نباشند، مگر می‌شود زندگی شان سرشار از شور و نشاط نشود؟

## مگر می‌شود زن و مردی عاشق خدا باشند و له عاشق یکدیگر نباشند



هدف ما از زندگی کردن چیست؟ اصلاً برای چی زندگی می‌کنیم؟ می‌خواهیم به چه برسیم؟ به کجا برسیم؟  
بیا از زندگی شروع کنیم....

اگر بخواهی بنده‌ی خوب خدا شوی، باید یک دالان پیدا کنی که از آن عبور کنی، یعنی عبورت را از آن شروع کنی. این دالان می‌تواند خانواده باشد. مثلاً حق پدر و مادر را خوب ادا کنی، شغلت آن چیزی باشد که خدا می‌خواهد، قدم‌هایت، کارهایت، نفس‌هایت، برای خدا باشد، برای خدا باشد که زندگی را ادامه می‌دهی. اصلاً ما برای چه نماز می‌خوانیم "نماز یادآوری هدف خلقت است، هدفی که بیش از هر چیزی آن را فراموش می‌کنیم." اگر هدف خلقت را فراموش کنیم دیگر به یاد خدا بودن هم زیاد به دردمان نخواهد خورد.

"اگر از طریق هدف خلقت به یاد

خدا بیفتیم بسیار موثرتر است"

مثلاً یک زوج را در نظر بگیریم، با

چه هدفی با یکدیگر ازدواج می‌کنند:

"قرآن هدف اصلی ازدواج را رسیدن

به آرامش مطرح کرده است."

لذت، شادی، عشق، امنیت و رشد و

شکوفایی راستای همین

آرامش است که پدید می‌آید. اگر

زن به این فکر کند که زندگی

کردنش در راستای قرب الهی و





نویسنده: فاطمه غریب شاه

دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر

سودجویان می شود که اهمیتی به سلامت مردم نمی دهند و از هیچ کاری برای کسب مال و ثروت بیشتر دریغ نمی کنند و بدین جهت است که این افراد گسترده ترین گروه مدافعان و پخش کنندگان محصولات غذایی تراریخته را تشکیل می دهند، و اگر هرچه سریع تر با این جنگ تغذیه ای گسترده مبارزه نشود به سرعت جامعه هدف خود را از پای در خواهد آورد به همین جهت به یک بسیج همگانی برای مقابله با آن نیاز است و باید این مسئله را مدنظر داشت که هر فرد علاوه بر مسئولیت زندگی خود مسئولیت جامعه و کشوری که در آن زندگی می کند را برعهده دارد.

می توان در تغییر سبک زندگی خانواده ها مشاهده کرد. شاید در نگاه اول به این موضوع اهمیت داده نشود اما نکته جالب اینجاست که تغییر مزاج و اخلاق رفتار، حرص، طمع ورزی و بسیاری از خصائل اخلاقی در انسان به دلیل عدم توجه به رژیم غذایی می باشد خداوند در قرآن کریم به این مسئله تاکید کرده است: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» انسانی که می خواهد همواره زندگی موفق داشته باشد و به سعادت برسد باید توجه زیادی به خوراک خود داشته باشد زیرا علاوه بر تاثیری که بر جسم می گذارد بخش اعظم آن بر روح و روان است و همواره زندگی شخص و خانواده ها را هدف قرار می دهد در سبک زندگی اسلامی همه ی ابعاد باید به طور کامل در نظر گرفته شود و دقیق رعایت شود شاید عده این مسئله را جدی نگیرند و آن را توهم توطئه قلمداد کنند ولی مواد غذایی تراریخته را می توان یک جنگ تغذیه ای جدی که کشورهای استعمار طلب و یهود علیه دیگر ملت ها بالاخص ملت های مسلمان و ایران به راه انداخته اند دانست که متأسفانه به آن اهمیت داده نمی شود و به صورت یک اپیدمی در حال فراگیر شدن است که در این بین اصلی ترین سود نصیب دلالان و

با گسترش روز افزون جمعیت نیاز بشر به غذا افزایش یافته است و کشاورزان و صاحبان صنایع برای حل این مشکل به تولید محصولات تراریخته روی آورده اند؛ محصولات تراریخته به گیاهانی گفته می شود که با دستکاری ژنتیکی می توان آن را به شکلی تولید کرد که حاوی موادمغذی مناسب و لازم باشند (انواع اسید آمینه و پروتئین و ویتامین های ضروری). دستکاری ژنتیکی گیاهان این امکان را فراهم می کند که آنها را در شرایط نامساعد محیطی (خشکسالی، سرما و سیل) و همچنین زمین های که چندان برای کشاورزی مناسب نیستند (شوره زارها) پرورش داد.



این محصولات به تدریج وارد زندگی خانواده ها شد و اثرات نامطلوبی بر جای گذاشت که علاوه بر رشد همه گیر انواع سرطان و بیماری های هورمونی و بعضاً نادر که نمی توان آن ها را نادیده گرفت تاثیر فراوانی بر روح و روان انسان ها می گذارد که بارز ترین آن را

**اگر هرچه سریع تر  
با این جنگ تغذیه ای گسترده  
مبارزه نشود  
به سرعت جامعه هدف خود را  
از پای در خواهد آورد**





### بخشی از سخنرانی حجت الاسلام علیرضا پناهیان

#### پیشنهاد مطالعه

کتاب ما طلبکاریم

مولفان: محمدحسن زمان وزیری

| نعیمه اسلاملو

ناشر کتاب: تلاوت آرامش

"ما طلبکاریم" از تفکری که بدون در نظر گرفتن انسانیت زن، او را تنها در جسمش خلاصه کرده و برای بهره جویی و سود جویی هر چه بیشتر، او را وارد عرصه رقابت‌های سنگین و بی‌حد و مرز بر سر زیبایی‌های جسمی و جنسی‌اش می‌کند و بدیهی‌ترین حقوق‌اش را که هماهنگ با فطرت و خلقت ویژه و ارزشمند زن و مایه آرامش اوست از او سلب می‌کند و در آوارگی زن میان فلسفه بی‌اساس و بنیان غرب و دنیای مادی، تنها حقیقت فلسفه الهی است که می‌تواند روشنای راهی دقیق برای سعادت و خوشبختی یک زن باشد.

این کتاب بنا دارد با ذکر نظرات غربی‌ها درباره زن و نگاهشان به مسائل زنان، دیدگاه اسلام و انقلاب اسلامی در این زمینه را نیز آورده و نتیجه‌گیری را به مخاطبان واگذار کند.

خانم باید مراقب باشد که غرور شوهرش را نشکند و به فرزندانش هم یاد بدهد که غرور پدرشان را نشکنند و به او احترام بگذارند. مرد هم باید مراقب باشد که دل همسرش را نشکند و به فرزندانش یاد بدهد که دل مادرشان را نشکنند. در این خانواده هر چه مادر دوست داشته باشد و هر چه پدر فرمان بدهد، بچه‌ها طبق آن عمل خواهند کرد و به این ترتیب تعادل در خانه برقرار خواهد شد. چون این دو رفتار مطابق فطرت و طبیعت پاک انسان است و دختر و پسر در چنین خانواده‌ای پاسخ‌های طبیعی اقتضائات روحی خود را می‌بینند و محیط خانه برای آنها آرامش‌بخش می‌شود.

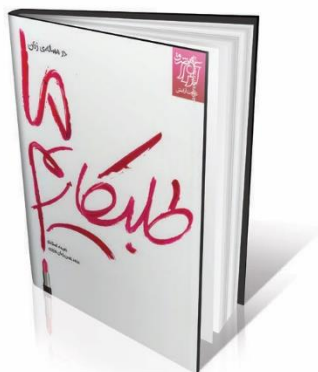
تعادل روحی و روانی به عوامل زیادی ربط پیدا می‌کند اما دو تا از کلیدی‌ترین عوامل تعادل روحی فرزندان در خانواده عبارتند از اینکه: «رابطه پدر با مادر از سر محبت و رحمت باشد» و «رابطه مادر با پدر سرشار از تواضع و احترام باشد». البته هر دو خوب است به یکدیگر احترام و محبت داشته باشند ولی بر اساس اقتضائات خاص روحی زن و مرد احترام برای مرد و محبت برای زن اولویت پیدا می‌کند. وقتی بچه‌ها اینگونه روابطی را می‌بینند گویی هر چیزی سر جای خودش قرار گرفته و تعادل در خانه برقرار خواهد شد.

بچه‌ها وقتی در خانه تعادل روحی پیدا می‌کنند که ببینند «پدر "ستون" خانه است و مادر "زیبایی" خانه» به تعبیر دیگر، پدر رئیس حقوقی خانه است و مادر رئیس عاطفی خانه است.

پدر "ستون" خانه است

و

مادر "زیبایی" خانه





نویسنده: زهرا طاهریان

کارشناس ارشد مطالعات زنان

در رابطه با دیدگاه های افراطی فمینیستی می توان گفت آن ها معتقدند تفاوت های جنسیتی نباید عامل تفکیک جنسیتی شود و زنان و مردان باید از حقوق یکسان برخوردار شوند در حالی که این تفکیک مشاغل با توجه به جنسیت متفاوت خود یکی از حقوق زنان به شمار می رود و مشغولیت مردان در برخی مشاغل که متناسب با شرایط جسمی و روحی آنان است حاکی از برتری مردان به زنان نیست.



با توجه به آنچه در رابطه با مشاغل سخت عنوان شد لازم است در وهله اول گستره مشاغل سخت مشخص شود چرا که عنوان مشاغل سخت مفهوم گسترده ای است و گاهی اوقات تشخیص اینکه یک شغل در گروه مشاغل سخت قرار می گیرد مشکل است البته مواردی چون راننده ماشین سنگین و کار در کوره آجرپزی واضح است؛ از طرف دیگر در راستای اجرای قانون ممنوعیت بانوان در مشاغل سخت از طرف نهادهای مسئول توجه بیشتری صورت بگیرد.

زنان بد سرپرست و سرپرست خانواده برای تامین معاش خانواده گاهی اوقات به علت اینکه نمی توانند شغلی مناسب با شرایط جسمی و روحی خودشان پیدا کنند ناخواسته در مشاغل سخت مشغول به کار می شوند این در حالی است که قانون کار در راستای حمایت از زنان آن ها را از اشتغال به مشاغل سخت و زیان آور منع کرده است اما با وجود ممنوعیت قانونی باز هم شاهد فعالیت زنان در این مشاغل هستیم. در اینجا از یک طرف در اجرای قانون بی توجهی صورت می گیرد و با وجود ممنوعیت زنان در این مشاغل مشغول به کار می شوند و هم اینکه زنان به خاطر شرایط جسمی از حقوق کمتری نسبت به مردان برخوردار می شوند. ظلم و اجحاف در حق زنان به حدی است که ناچاراً در مشاغلی مشغول به کار می شوند که هم سلامت آنان را به مخاطره می اندازد و هم اینکه آنان را در پرداختن به مسئولیت زنانه چون مادری که متناسب با روحیات آنهاست دچار مشکل می کند. در اینجا زنان به خاطر شرایط جسمی و روحی متفاوت با مردان از اشتغال در این مشاغل منع می شوند اما همین تفاوت جنسیتی دستاویزی می شود برای کارفرمایان به زنان نسبت به مردان در شرایط کاری یکسان حقوق بپردازند.

اشتغال بانوان از جمله مسائلی است که با توجه به تغییرات جوامع امروزی از آن نمی توان غفلت کرد، امروزه شرایط جامعه به گونه ای است که زنان همپای مردان مشغول به کار هستند اما موضوع مشغولیت زنان به کار و فعالیت نیست چرا که در قانون اساسی در مورد فراهم کردن شرایط شغلی مناسب برای بانوان سخن به میان آمده است و حتی از نظر اسلام نیز زنان می توانند اشتغال داشته باشند اما در رابطه با تامین نیازهای مالی خانواده هیچ وظیفه ای بر عهده زنان نیست. با این وجود باز هم ما در جامعه شاهد زنانی هستیم که نه تنها به عنوان سرپرست وظیفه تامین معاش خانواده را برعهده دارند بلکه گاهی به علت فشارهای زندگی مجبور می شوند در مشاغلی مشغول به کار شوند که تناسبی با شرایط جسمی و روحی آنان ندارد. اینجاست که موضوع اشتغال بانوان در مشاغل سخت به میان می آید. در این رابطه دو موضوع مورد بحث است: یکی اینکه زنان سرپرست خانوار یا زنان بد سرپرست که به اجبار به مشاغل سخت روی می آورند و یکی دیگر زنانی که تحت تاثیر دیدگاه های افراطی فمینیستی در مشاغل سخت مشغول به کار می شوند.





## نویسنده: فاطمه غریب شاه

دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر

وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ  
أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ  
وَرِزْقٌ كَرِيمٌ: زنان ناپاک از آن مردان  
ناپاکند و مردان ناپاک نیز به زنان  
ناپاک تعلق دارند، و زنان پاک از آن  
مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان  
پاک هستند اینان از نسبت‌های  
ناروایی که (ناپاکان) به آنان  
می‌دهند، مبرا هستند و برای آنان  
آمزش (الهی) و روزی پُرارزشی است.»  
(النور/۲۶)

همتایی و تناسب دارای ابعاد مختلفی  
است؛ از جمله همتایی و تناسب دینی  
و ایمانی، همتایی و تناسب فکری و  
فرهنگی، همتایی اخلاقی، همتایی  
جسمی و جنسی، همتایی اقتصادی و  
سیاسی، اجتماعی، تناسب در زیبایی و  
خانوادگی، تناسب سنی و علمی،  
هماهنگی روحی و روانی.

### د) اصالت خانوادگی:

یکی دیگر از معیارهای انتخاب  
همسر توجه به اصالت خانوادگی فرد  
است و اگر فرد اصالت خانوادگی  
نداشته باشد بر پایه تقوا و دین  
تربیت نشده باشد، به طور قطع،  
ستونی لرزان و سست برای  
بر پا کردن خیمه خانوادگی خواهد  
بود. رسول خدا(ص) فرمود: «ای مردم!  
از گیاهان سبز و خرمی که در مزبله  
رشد کرده‌اند، بپرهیزید!

این معیارها عبارت اند از:

### الف) پارسایی و دینداری

دین‌داری و تقوا از معیارهای مهم در  
انتخاب همسر است، هر اندازه این  
ویژگی قوی‌تر باشد، رعایت  
حد و حدود شرعی کامل‌تر و پای‌بند  
به اصول خانواده بیشتر خواهد بود و  
هر چه ضعیف‌تر باشد، به همان  
اندازه می‌تواند به استحکام و پایداری  
خانواده آسیب برساند.

### ب) آراستگی به فضایل اخلاقی:

آمار نشان می‌دهد که یکی از  
مهم‌ترین عواملی که همسران را از هم  
جدا می‌کند و به طلاق می‌کشاند،  
بد اخلاقی و بی‌بهرگی از فضایل اخلاقی  
است. بنابراین، بهترین راه مقابله با این  
آسیب، انتخاب همسری خوش اخلاق  
می‌باشد. روایات نیز ازدواج با مردان  
بد اخلاق نهی شده است.

### ج) همتایی و تناسب:

ازدواج نوعی ترکیب بین دو انسان و  
خانواده است، زندگی مشترک، یک  
پدیده مرکب است که اجزاء اصلی و  
اساسی آن، زن و مرد می‌باشند. هر قدر  
بین این دو عنصر، هماهنگی، هم‌فکری،  
تناسب شخصیت روحی و اخلاقی و  
جسمی باشد. این ترکیب، استوارتر،  
محکم تر، پرمهرتر، شریف‌تر،  
لذت‌بخش‌تر و جاودانه‌تر خواهد بود.

قرآن کریم در این مورد می‌فرماید:  
«الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ

خداوند پس از آفرینش انسان  
نیازهای متعددی را برای او در نظر  
گرفت که در ضمن برطرف کردن آن‌ها  
در مسیر سعادت و رستگاری گام بردارد  
یکی از مهم‌ترین نیازهای بشر تشکیل  
خانواده و ازدواج است که در اسلام  
تاکید فراوانی بر آن شده است  
ارزشمندترین خانواده‌ها خانواده‌ای  
است که اسلام در آن نقش تعیین کننده  
را دارد و همه‌ی اعضا می‌کوشند  
دستورات خداوند را اجرا کنند و به  
عبارتی بر مبنای سبک زندگی اسلامی  
باشد. سبک زندگی اسلامی، شیوه‌هایی  
از زندگی است که انسان با تکیه بر  
نظام ارزشی و مبانی اعتقادی خود در  
زندگی فردی و اجتماعی برای ایجاد  
ارتباط با محیط و جامعه، پاسخ به  
خواسته‌ها و تأمین نیازهایش به‌کار  
می‌گیرد. طبق این تعریف،  
سبک زندگی، سبک زندگی مصرف‌های  
مادی یا فرهنگی نیست، چراکه زندگی  
عناصر غیر از مصرف را نیز در بردارد. از  
آن جایی که دین اسلام دین کامل و  
همه جانبه است ضمن تاکید بر امر  
ازدواج معیارهای انتخاب همسر را نیز  
ذکر کرده است اگر افراد با در نظر  
گرفتن آن‌ها همسر شایسته انتخاب کنند  
زندگی سرشار از آرامش و رضایت  
خداوند را خواهند داشت.



### ۵- همکاری در اداره خانه

از نکات بسیار مهم در سبک زندگی خانوادگی پیشوایان معصوم (ع) یاری رساندن و همکاری در اداره منزل می‌باشد.

### ۶- هدیه دادن

از آداب مهم دیگر، هدیه دادن در مراسم شادی و روزهای عید و بازگشت از سفر است که در جلب محبت همسر و فرزندان بسیار مؤثر است. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «به یکدیگر هدیه دهید تا محبت‌ها افزوده گردد و غبار کینه‌ها از دلها رود». اگر همواره به این توصیه‌ها و فرامین عمل کنیم و آنها را در زندگی خود جاری سازیم آن‌گاه خانواده محل آرامش انسان می‌شود و افرادی که در خانواده خود سکینه و آرامش داشته باشند در جامعه نیز نقش خود را به خوبی ایفا می‌کنند و طبیعتاً چنین جامعه‌ای هر روز موفق‌تر می‌شود و از تمام لحاظ از جمله سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... بسیار قوی خواهد بود و از تهدیدهای دشمن می‌هراسد کما این که دشمن هیچ‌گاه به خود اجازه تعرض به این کشور را نمی‌دهد.

### ۳- احساس مسئولیت اعضای خانواده

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند، اجرا می‌نمایند»

(التحریم/ ۶)

آنچه از این آیه استفاده می‌شود، تنها تأمین هزینه زندگی، تهیه مسکن، تغذیه و ... وظیفه پدر و سرپرست نیست، بلکه مهم‌تر از آنها، تغذیه روح و جان اعضای خانواده است. نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم نمودن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است.

### ۴- ورود و خروج زن و شوهر از خانه

درباره ورود و خروج مرد از خانه توصیه‌هایی شده است؛ از جمله اینکه در اوقاتی که زن کار مهمی ندارد، هنگام بیرون رفتن شوهر از خانه او را بدرقه کند و چند قدمی پشت سرش برود و گاه نیز هنگام ورود شوهر به خانه به استقبال او بیاید، چنان‌که در زندگی مشترک علی (ع) و حضرت فاطمه (س) چنین رفتاری وجود داشت.

گفتند: ای رسول خدا، منظور از این جمله چیست؟ در پاسخ فرمود: دختر زیبایی که در خانواده بد رشد کرده باشد» ناگفته نماند که اصالت خانوادگی همسر یکی از شرایط است.

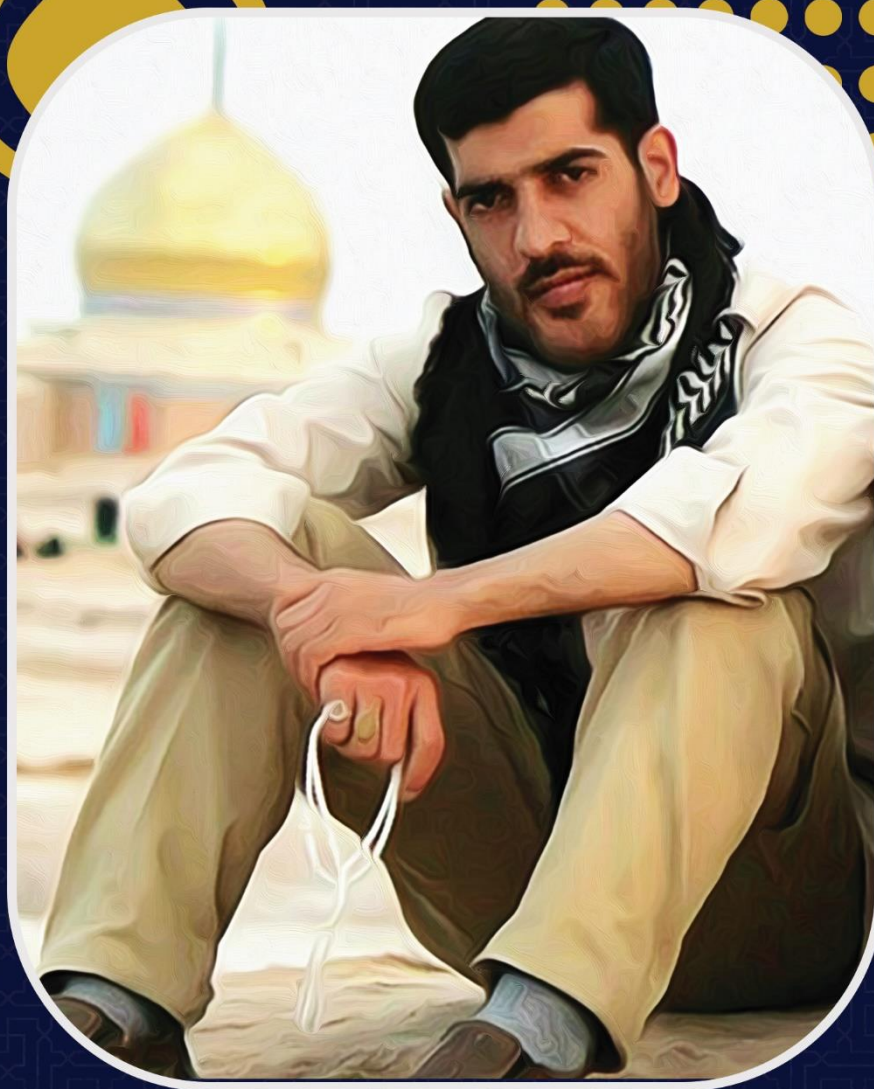
### ۱- مدیریت خانواده

از آنجا که خانواده یک واحد اجتماعی است و نیاز به مدیریت دارد و تأمین معیشت و نفقه زن به مرد سپرده شده است و از سویی، ویژگی جسمی و روحی مرد نیز برای سرپرستی خانواده سزاوار می‌باشد، مدیریت خانواده به مرد سپرده شده است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ مِمَّا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَمِمَّا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ مِمَّا حَفِظَ اللَّهُ...: مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به‌خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و به‌خاطر انفاق‌هایی که از اموال‌شان (در مورد زنان) می‌کنند.

### ۲- ورود و خروج زن و شوهر از خانه

درباره ورود و خروج مرد از خانه توصیه‌هایی شده است؛ از جمله اینکه در اوقاتی که زن کار مهمی ندارد، هنگام بیرون رفتن شوهر از خانه او را بدرقه کند و چند قدمی پشت سرش برود و گاه نیز هنگام ورود شوهر به خانه به استقبال او بیاید، چنان‌که در زندگی مشترک علی (ع) و حضرت فاطمه (س) چنین رفتاری وجود داشت.





## بالتر از ايثار جان

گفتگو با مادر محترم شهيد جاويد الاثر علي جمشيدی



**خودتون رو معرفی بفرمایید و بفرمایید شما چند فرزند دارید و علی آقا فرزند چندم بودند؟**  
محترم کاویان پور هستم ۱۰ فرزند دارم که علی آقا فرزند نهم بودند.

**چه نکاتی را در تربیت علی آقا رعایت کردید؟**

تربیت علی آقا را از همان نوزادی شروع کردم از همان زمان وقتی می‌خواستم به علی آقا شیر بدهم وضو می‌گرفتم وقتی بزرگتر شدند سعی می‌کردم همیشه به مسجد یا هیئت ببرمش وقتی به مسجد یا هیئت می‌رفتیم چون بچه گرسنه می‌شد نه فقط علی آقا بچه‌های دیگر هم همین طور بودند من سعی می‌کردم از خانه غذا یا میوه ساده‌ای برایشان می‌بردم تا آنجا بخورند نه این که مثل بعضی‌ها اصلاً به مسجد یا هیئت نبرمشان تا این که بهانه نگیرند معتقدم این برنامه خیلی در تربیت ایشان تاثیر داشت که حتی آنقدر هیئتی شده بودند که در همان سن کودکی هیئتی را تاسیس کردند که هنوز هم پابرجاست و از هیئت‌های به نام شهرمان است هیئت باب الحوائج

**چند مورد از ویژگی‌های اخلاقی برجسته ایشان را بفرمایید؟**

یک ویژگی که در میان دوستان و آشنایان خیلی برجسته بود این بود که از عکس گرفتن و فیلمبرداری امتناع می‌کرد یعنی اگر قرار بود عکس گرفته بشه یا فیلمبرداری بشه خودش عکاس و فیلم بردار بود مثلاً اگر قرار بود از کارهای فرهنگی گزارش گرفته بشه یا عکس گرفته بشه از بقیه عکس می‌گرفت گاهی وقت‌ها خیلی اصرار می‌کردند اما او انکار می‌کرد یقیناً این کار از اخلاص او حکایت می‌کرد.

ویژگی دیگر شهید این بود که رابطه خوبی با بچه‌ها داشت یک بار توی مسیر مشهد به نور که همراه خواهر و برادر و خواهرزاده و برادرزاده‌ها با چند ماشین داشتند به سمت نور می‌آمدند خب بچه‌ها طبیعتشان شیطنت و شلوغ کاری است حالا چند بچه و یک ماشین اما علی آقا رابطه عجیبی با بچه‌ها داشت یک سکه کوچک گرفت و شروع کرد با بچه‌ها گل یا پوچ بازی کردن آن بچه‌ها را جوری سرگرم کرده بود که پدر و مادرشان نمی‌توانستند آن‌ها را ساکت نگاهشان دارند.



**علت سوریه رفتن ایشان چی بود؟**

چند وقت قبل از این که اعزام شوند آمدند کنار من و گفتند مامان می‌خوام برم سوریه برای دفاع از حرم.

علی آقا چون در کارهای فرهنگی فعال بودند تا جایی که بعد از شهادت ایشان را علمدار فرهنگی نور خطاب می‌کردند.

من گفتم علی تو این‌جا هستی کار فرهنگی می‌کنی الان مگر چه قدر مثل تو هستند که از این کارها بکنند اما خیلی‌ها میرن سوریه اونجا نیاز نیست اینجا بیشتر به تو نیاز دارند علی آقا جمله‌ای گفتند که من احساس کوچکی و حقیری کردم گفتند: بین

مامان ما محرم و صفر هی به سینه و سر می‌زنیم که چی؟ برای این که بگیم امام حسین‌ای کاش ما در زمان شما بودیم و شما رو یاری می‌کردیم الان مثل اون موقع است آن زمان بعد از شهادت امام حسین رفتند و به حضرت زینب جسارت کردند به اهل بیت جسارت کردند الان هم مثل اون موقع میرن جسارت می‌کنند اون موقع امام حسین مدافع حرم می‌خواست الان هم مدافع حرم لازمه الان اگه ما نریم اون نامردا میرن به حرم حضرت زینب و حضرت رقیه جسارت می‌کنند من با خودم گفتم من مادرشم ولی این داره درست می‌گه دیگه منعش نکردم گفتم پسر برو خدا پشت و پناهت و چند وقت بعد توی بهار رفت و الان که چهارمین بهار رفتن علی آقا است هنوز برنگشته.

## الان اگه ما نریم اون نامردا میرن به حرم حضرت زینب و حضرت رقیه جسارت می‌کنند

**از نظر شما چه ویژگی بارز ایشان باعث شهادتشون شد؟**  
کارهای زیادی می‌کردند که این کارها از روی اخلاص بود نه برای ریا از کارهای او فهمیده می‌شد فکر می‌کنم همین باعث شد که شهید شود.

خستگی ناپذیری شهید: علی آقا یک کاری را که می‌گرفت تا ته می‌رفت اگر بخوادم مثال بزنم مثال دو شهید گمنام مثال خویست حدوداً دو هفته یکبار می‌آمد خانه او این دو هفته هم که می‌خواست بیاید قلبش به خواهرش زنگ می‌زد که برایش لباس آماده کند تا زیاد معطل نشود از آن دو هفته‌ها



چند هفته نگذشت که شهید شد (رابطه من و شهید گمنام علی مفصل است).

ویژگی دیگری که مد نظر است: حجب و حیا شهید است یکی از خواهرهای شهید که در همین استان شمالی زندگی می‌کند از طرف بسیج به اردو برده بودند در راه به خانه ی ماهم آمدند وقتی علی آقا به خانه آمد دید که این خانم‌ها در خانه هستند سرش را انداخت پایین سلام داد و بعد از این که کارش را انجام داد از خانه بیرون رفت حاج خانم‌ها به دخترم گفتند این چرا این جور بود؟ پرسید چه جور بود؟ گفت چرا سرش را بالا نمی‌آورد؟

آنجا دخترم چیزی نگفت ولی بعد از شهادت تعریف کرد وقتی خبر شهادت او در استان پخش شد همان خانم گفت همان برادری که سرش را بالا نمی‌آورد شهید شد؟ و من گفتم آره همون.



## یکی از خاطرات شهید رو بفرمایید؟

اولین روزهی شهید از هفت سالگی بود ماه رمضان سال هفتم زندگی علی آقا روزه گرفتند من به او می‌گفتم نه تو نباید بگیری کوچکی و اندامت نحیف است من یک تکه غذا گذاشتم در دهانش تا روزه ه اش باطل شود اما او فرار کرد تا سر کوچه دنبالش دویدم و گرفتمش وقتی داشتم غذا را توی دهانش می‌ذاشتم یکی از همسایه‌ها به ستم آمد و گفت چه کار داری با بچه بزار روزه اش را بگیره و من علی را ول کردم و او روزه اش را گرفت این اولین روزه اش بود.

## حال و هوای روزهای آخر زندگی شهید چگونه بود؟

قبل از عید که ایستگاه صلواتی داشت به مناسبت ایام فاطمیه.

عید که شد رفت خادمی شهدا جنوب دوازدهم فروردین که بود به اصرار خواهر و برادرها برگشت نور تا سیزده به در را با هم باشند وقتی برگشت اولین بار که دیدمش بهش گفتم نورانی شدی و بوسیدمش.

اما سیزدهم باران آمد و نتوانستیم بیرون برویم ولی علی آقا از کارش دست برداشت همان سیزدهم رفت گشت و چهاردهم هم تازه رفت لباس نو خرید بعد از این که کارهای دیگرش را انجام داد به خانه برگشت لباس را پوشید وقتی علی را دیدم گفتم مبارک باشه انشالله تی زن مار تیر دامادی لباس بیره ( انشالله مادر زنت برات لباس دامادی بگیره) تا این که شب حدود ساعت ۹ تلفنش زنگ خورد و بعد گفت باید بروم تهران و بیشتر توضیح نداد فقط همین را گفت تا ساعت ۱۲ شب وسایلش را جمع کرد و بلیت گرفت و رفت صبح رسید تهران و به خانه پسر وسطم رفت و این طور که می‌گویند نماز صبحش را در کنار مقبره شهدای گمنام شهرک خواند و بعد به خانه برادرش رفت و صبحانه را آنجا خورد بعد از زیر قرآن رد شد و به محل اعزام رفت و بعد از ظهر به سمت سوریه اعزام شد.



## بعد از شهادت ایشون چه احساسی داشتید؟

سر زمین کشاورزی بودم که آمدند و گفتند مهمان دارید سریع بیا بریم خانه بعد من یک جوری شدم یه کم که جلوتر رفتیم این قدر سوال کردم گفتند علی مجروح شده بعد هم که رسیدیم خانه دیدم کوچه خیلی شلوغ است مطمئن شدم که شهید شده خیلی سخت بود و ناراحت بودم اما خدا را شکر کردم که پسر در این راه رفته و شهید شده.

نام: علی

نام خانوادگی: جمشیدی

تولد: ۱۳۶۹/۸/۱۵

شهادت: ۱۳۹۵/۲/۱۷

محل شهادت: کربلای خاندومان



نویسنده: فاطمه غریب شاه

دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر

مسائل نباشیم به راستی روا نیست خانواده‌ای که خسته از کار روزانه برای ساعتی استراحت دور هم جمع می‌شوند تا برای دقایقی وقت خود را با تلویزیون سپری کنند شاهد این صحنه‌ها و تنش‌ها باشند چه کسی جوابگوی آینده‌ی کودکانی است که ممکن است شخصیت‌های فیلم را برای خود الگو قرار دهند؟ و جوانی که با دیدن این فیلم‌ها ناامیدی در جان او رسوخ می‌کند؟ دشمن به خوبی دریافته است که تنها راه شکست ایران نفوذ فرهنگی و از میان بردن بنیان خانواده است چه آینده‌ای در انتظار کشوری خواهد بود که خانواده‌های سست عنصر و بی‌پایه دارد؟ نفوذی‌های خارجی که هیچ اما آنان که از روی جهل آب به آسیاب دشمن می‌ریزند هرچه زودتر از این خواب غفلت بیدار شوند، «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»

سرنوشتمان را خودمان به دست بگیریم.

به کرات مشاهده می‌شود که هر یک از آن‌ها جامعه را به زوال خواهد برد باید خاطر نشان کنم که پس از پخش اولین قسمت از فیلم به دلیل وجود سکانس‌هایی خارج از عرف جامعه اعتراض مردم نسبت به این فیلم بالا گرفت اما پس از مدتی توقیف مجدد به روال قبلی خود ادامه داد و همچنان سکانس‌هایی به دور از شان یک جامعه اسلامی و ملت مسلمان در آن قابل مشاهده است باید خاطر نشان کرد اگر دست اندر کاران سینما و اهالی رسانه با ساخت این سریال‌ها قصد مطرح نمودن معظلات جوانان را دارند بنده به عنوان جوان این کشور خواهش می‌کنم که تغییر رویه دهید زیرا راهی نادرست را در پیش گرفته اید و این مواردی که به آن می‌پردازید مشکل جوان ایرانی نیست لطفاً با پخش این اکاذیب ناامیدی را در جامعه تزریق نکنید و اگر با تبعیت کور کورانه از سریال‌های سخیف و خاتمان برانداز ترکیه ای قصد تغییر ذائقه‌ی مردم ایران و حاکم کردن فرهنگ غرب در ایران را دارید باید بکنیم که قبل از شما افراد بیشتری سعی در نابودی این نظام داشته‌اند ولی راه به جایی نبرده‌اند و باید بدانید کسانی که تقدس هنر را برای اهداف شوم خود از میان می‌برند نه می‌توان نام هنرمند بر آنان نهاد و نه انسان و هیچ گاه به مقصودشان نخواهند رسید.

و ای کاش همه‌ی افراد مسئول وظایف خود را به درستی انجام دهند شاید اگر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نظارت دقیق داشته‌باشد شاهد بسیاری از این

قرن ۲۱ قرن پیشرفت علم و تکنولوژی که در آن علاوه بر گسترش روز افزون دانش بشری نیازهای بشر نیز افزایش می‌یابد و سرگرمی یکی از این نیازهاست.

در گذشته برنامه‌های سرگرم کننده در دو کانال تلویزیونی و تعداد معدودی سینما که اغلب اکران کننده فیلم‌های خارجی بود خلاصه می‌شد اما امروزه علاوه بر فیلم و سریال‌های تلویزیونی و سینماها که هر روز بر تعدادشان اضافه می‌شود سریال سینمای خانگی نیز به این مجموعه پیوسته است؛ اما ای کاش هدف تهیه کنندگان و مجموعه سازنده صرفاً سرگرم کردن مردم نباشد و بیشتر روی محتوای این برنامه‌ها اهتمام بورزند در سال‌های اخیر سریال‌های زیادی از سینمای خانگی پخش شده است که بعضاً فروش خوبی داشته‌اند همچون شهرزاد و... در این بخش به بررسی یکی از سریال‌های اخیر پخش شده می‌پردازیم.

«ممنوعه»؛ داستان چند جوان که هر کدام مشکلات خاص خود را دارند دور یک دیگر جمع شده‌اند و گروه کوچک آن‌ها قوانین و مقررات ویژه‌ای دارد.

در ابتدای فیلم جمله‌ای نوشته می‌شود که ذهن مخاطب را به سمت آثار سو مواد مخدر سوق می‌دهد اما هرچه در داستان پیش می‌رویم روابط نامشروع چند جانبه و به اصطلاح عشق‌های مثلثی، خیانت و مفاهیمی چون ابتذال خانواده







طی کرد. با گروه روحانیت مبارز خارج از کشور زیر نظر شهید محمد منتظری فعالیت می‌کرد. پایگاه و مرکز فعالیت این گروه در لبنان و سوریه بود و خانم دباغ به سبب ماموریت‌ها و برنامه‌های گروه به کشورهای مختلفی از جمله عربستان، انگلیس، فرانسه و عراق تردد داشت.

در بسیاری از حرکت‌ها و فعالیت‌های مبارزان در خارج از کشور راهپیمایی‌ها، تظاهرات و اعتصابات شرکت فعال داشت. دباغ پس از هجرت امام به پاریس در سال ۱۳۵۷ به خیل یاران ایشان پیوست و وظایف اندرونی بیت امام را به عهده گرفت و لحظاتی گرانمایه را برای خود رقم زد.

مرضیه حدیدچی در خارج از کشور با عناوین خواهر دباغ، خواهر زینت احمدی نیلی و خواهر طاهره شناخته می‌شد. اکنون عنوان طاهره دباغ برای او به یادگار مانده است.

مرحومه مرضیه دباغ پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کشور بازگشت و در صدر بسیاری از امور از جمله: فرماندهی سپاه همدان و مسئولیت بسیج خواهران قرارگرفت، و سه دوره نماینده مردم تهران و همدان در مجلس شورای اسلامی بود. علاوه بر آن در دانشگاه علم و صنعت ایران و مدرسه عالی شهید مطهری به تدریس پرداخته است و

و تعامل داشته است. حدیدچی (دباغ) پس از شهادت آیت الله سعیدی در ۱۳۴۹ به مبارزه و تبلیغ خود علیه رژیم شاه شدت می‌بخشد و سرانجام در ۱۳۵۲ توسط ساواک دستگیر می‌شود. در کمیته مشترک به همراه دخترش شدیدترین شکنجه‌ها را تحمل کرده به سختی بیمار می‌شود و در زمانی که امیدی به زنده ماندنش نیست از زندان آزاد می‌شود، در حالی که دخترش (رضوانه) همچنان در زندان می‌ماند.



دباغ پس از آزادی تحت عمل جراحی قرار می‌گیرد و از مرگ نجات می‌یابد و پس از چند ماه دوباره دستگیر و زندانی می‌شود. در این دوره از زندان به تقابل ایدئوژیک با گروه‌های مارکسیستی برمی‌خیزد و زنان مسلمان زندانی را پیرامون خود جمع می‌کند. دباغ در ۱۳۵۳ برای ادامه مبارزاتش به خارج از کشور می‌رود و تا پیروزی انقلاب اسلامی در هجرت به سر می‌برد. وی در پایگاه‌های نظامی واقع در مرز لبنان و سوریه آموزش‌های رزمی و چریکی را

مرضیه حدیدچی معروف به طاهره دباغ (زاده ۲۱ خرداد ۱۳۱۸ در همدان) از مبارزان دیرین و سابقون انقلاب اسلامی و نمادی از زنان مسلمان فعال حاضر در همه عرصه‌های اجتماعی ایران بود. وی در طول مبارزات خود، توسط ساواک دستگیر شد و به همراه دخترش در زندان‌های مخوف رژیم پهلوی شکنجه‌های سختی را تحمل کرد. مرحومه دباغ در سال ۱۳۳۳ با محمد حسن دباغ ازدواج کرد. این ازدواج سرآغاز تحولات زندگی وی محسوب می‌شود. در آغازین روزهای زندگی مشترک به تبعیت از همسرش به تهران مراجعت کرد. در تهران توانست تحصیلات علوم دینی خود را تا سطح (شرح لمعه) ادامه دهد و از محضر استادانی چون مرحوم حاج آقا کمال مرتضوی، حاج شیخ علی خوانساری، شهید آیت الله محمدرضا سعیدی و شهید سید مجتبی صالحی خوانساری استفاده کند. دباغ در حالی به تحصیل ادامه می‌داد و به فعالیت‌های سیاسی مبادرت داشت که مادر هشت فرزند بود. فعالیت‌ها و حرکت‌های سیاسی دباغ با پخش و توزیع اعلامیه در سال‌های ۴۰-۴۱ آغاز می‌شود و با ورود به تشکیلات تحت هدایت شهید سعیدی در تهران شدت می‌یابد. همچنین در این دوره با دانشجویان مبارز دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، صنعتی شریف و علم و صنعت همکاری

مرضیه دباغ در ۲۷ بهمن اجازه یافت که به ایران بیاید. وی در اوایل درگیری‌هایی با منافقین داشت. که به دنبال آن جلساتی را با تعدادی از آقایان گذاشته که بعد ایشان به همراه مرحوم لاهوتی و ۲ تن دیگر از آقایان ماموریت یافتند که برای تشکیل سپاه به منطقه غرب بروند.

این گروه در پاوه، کرمانشاه، ایلام و چند شهرستان بزرگ دیگر سپاه تشکیل دادند و بعد به همدان رفته که به دلیل جو خاص همدان و این که همه گروه‌ها آنجا پایگاه داشتند آیت الله مدنی در جلسه‌ای به این نتیجه رسیدند که فرماندهی سپاه همدان را مرضیه دباغ برعهده بگیرد تا سپاه منسجم شود. تقریباً تا اواسط سال ۱۳۶۰

مسئولیت سپاه همدان با ایشان بود. دباغ در دی ماه سال ۱۳۶۷ به عنوان عضو از نمایندگان اعزامی امام خمینی (ره) برای ابلاغ پیام ایشان به گورباچف رهبر وقت اتحاد جماهیر شوروی انتخاب شد. دباغ علت انتخاب شدنش را توسط امام (ره) در هیات حامل پیام امام به گورباچف را بر اساس شناختی که امام در سال ۴۹، نسبت به ایشان داشتند اعلام کردند. این بانوی مبارز سرانجام در صبح روز ۲۷ آبان ۱۳۹۵ پس از گذراندن دوره‌ای بیماری در سن ۷۷ سالگی در بیمارستان خاتم‌الانبیاء تهران درگذشت؛ پیکر وی، صبح جمعه ۲۸ آبان ۱۳۹۵ پس از تشییع در صحن آرامگاه امام خمینی (ره) دفن شد.

خاطرات مرضیه حدیدچی را محسن کاظمی گردآوری و انتشارات سوره مهر در اسفند ۱۳۹۰ آن را به چاپ رسانده.

پیچیده بود. آیت الله ربانی شیرازی (رضوان الله تعالی علیه) توی بند ما بود که صدای فریادهای من را می‌شنید، شروع کردند با یک صوت قشنگی آیه «واستعینوا بالصبر والصلوه و انها لکبیره الا علی الخاشعین» خواندند. من مقداری آرامش یافتم. احساس کردم دارم کار خطایی انجام می‌دهم. استغفار کردم. قدری به خودم آمدم. حامل کمی خوب شده بود یک پتوی سربازی آوردند و دخترم را در آن گذاشتند و بردند. فکر کردم تمام کرده و از دنیا رفته است. خدا را شکر کردم که دیگر به دست این دژخیمان شکنجه نمی‌شود و دیگر کارهای خائانه این‌ها را نباید تحمل کند؛ ولی پس از ۱۶ روز یک شب در سلول باز شد و یک نفر را داخل انداختند که دیدم دخترم رضوانه است. بغلش کردم و در گوشش گفتم که چیزی نگو، چون ممکن است اینجاها میکروفن کار گذاشته باشند و مشکل ایجاد شود. فقط در گوشم بگو کجا بودی؟ دست‌هایش را نشانم داد که روی مچ جفت دست این دخترچه سیزده چهارده ساله جای دستبندها دیده می‌شد، دستبندهایی که با آن به تخت بیمارستان ارتش بسته شده بود. بسختی نفس می‌کشید، البته هنوز هم که بیش از ۳۰ سال از آن زمان می‌گذرد با این که قلبش عمل شده و دریچه گذاشته‌اند گاهی اوقات اصلاً صوت ندارد و نمی‌تواند حرف بزند وقتی هم سالم است صدایش لرزش دارد.

قائم مقام جمعیت زنان جمهوری اسلامی بوده است. در آن زمان حتی دختر بچه‌ی ۱۴ ساله‌ی خانم دباغ از شکنجه زندان ساواک در امان نبود، رضوانه یک شعری را از رادیو بغداد در دفترش نوشته بود که آن را روزها در مدرسه با همکلاسی‌هایش می‌خواند. به خاطر این دفتر و از طرفی هم به دلیل این که در بدن خانم دباغ جای سالمی برای شکنجه کردن وجود نداشت و بدن وی عفونت کرده بود، دخترشان را مورد شکنجه میدادند.



به گفته دباغ پس از چند روزی که این شکنجه‌ها را انجام می‌دادند و ۴ بعد از نیمه شب صدای زنجیر بند را شنیدم. وقتی زنجیر بند باز شد از لای دریچه سلول نگاه کردم دیدم دو تا سرباز زیر بغل این بچه را گرفته‌اند و وسط راهرو انداختند که هر چه با سطل آب روی صورتش می‌ریختند به هوش نمی‌آمد. من هم با مشت به در می‌کوبیدم. صدای فریادهای من خیلی توی راهرو



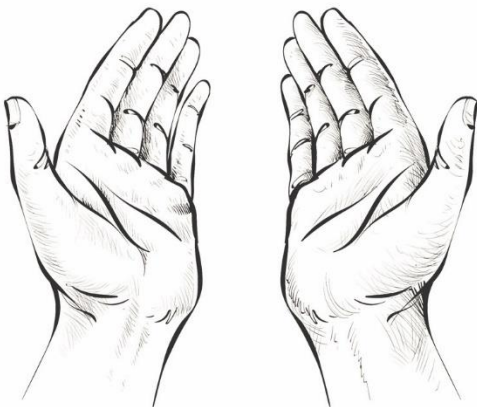
چرا گمنام؟

تو چه کرده ای که خدا همهات را برای خودش خواسته و نه نشانی برای ما گذاشتی و نه مزاری که آنجا را فقط دید و دل را آرام کرد...؟

این سوال را در ذهنم از خودم می‌پرسم و سعی در یافتن پاسخی برای آنم... پاسخی به ذهنم می‌رسد و سوالم را با سوال جواب می‌دهم خطاب به مردم آن زمان می‌گویم شما چه کرده‌اید که مادر این چنین غریبانه خواست دفن شود و این چنین مزارش غریبانه شود در این پنهان ماندن مزار و پنهان دفن شدن چه رازی بود.. شما زنان مهاجر و انصار چه کردید که وقتی بعد آن حادثه تلخ که به عیادتش رفتید مادر این چنین تلخ و دل شکسته جوابتان داد...؟ او دلخور بود.. نه از تنها ماندن همسرش فقط که از تنها ماندن امامش، امام زمانش دلخور بود مردمی که شاید مثل الان ما ادعا داشتند اما همین که نبوت برای آنها تمام شد ولایت را فراموش کردند؛ همه ترسیدند و شوهران و پسرانشان را در دفاع از حضرت علی(ع) منع کردند. اینها همانی بودند که دیروز در خطبه‌ی فدک حضرت زهرا(س) در مسجد اشک‌هایشان مثل باران بهاری سرازیر میشد روی گونه‌هایشان اما این اشک‌ها نه تنها آتش خانه‌ی مادر را خاموش نکرد که این اشک‌ها خودش از

خیلی باید بهتر و قوی‌تر شویم حتی اشک‌هایمان هم باید قوی شود و پر از معرفت شاید بیاید؛ بارها می‌خوانیم در زیارت عاشورا "يُثَبِّتْ لِي عِنْدَكَ قَدَمَ صِدْقٍ" یعنی ما را ثابت قدم کن در ولایت در با شما بودن و طرفه‌ی عین ما را به حال خود رها نکردن امروز این مهم است کاری که دیروزها برای مادرمان برای فرزندانش نکردند ما امروز جا نمانیم...

یک جمله دیگر با مادر و سخن تمام... یا زهرا من دیروز پهلویتان را در پشت آن خانه نشکستم اما قلبتان را شکستم با گناهانم و دوری که از خدا و امام زمانم داشتم. کمک کن به تک تک ما.



از جنس آتش بودند که نه تنها مادرمان را آب کرد و دلش را سوزاند و که همه‌ی فرزندانش مظلوم و غریب ماندند و دلشان را سوزاندند. تا همین امروز خودمان، نمی‌دانم گاهی فکر می‌کنم شاید جنس اشک‌های خودم اصلاً آن قدر خوب نبوده که بیاید می‌ترسم اشک امروز من برای امام زمان(عج) نباشد و اگر باشد از جنس معرفت نباشد و فقط احساسات باشد که دیروز همان‌ها که اشک ریختند و نماز شبشان ترک نمیشد و شاید در جنگ با باطل هم تلاش کرده بودند جانباز هم شاید شده بودند مثل شمر، همان‌ها ظلم کردند در حق پاک‌ترین انسان‌ها و مظلوم‌ترین آنها، آنها در حق امامشان که حکم پدر دلسوز برای آنها داشت ظلم کردند سر از بدن جدا کردند، مسموم کردند، زندانی کردند و هزاران ظلم کردند و اکنون ما هزاران سال است محرومیم از وجود امام زمانمان.

**می‌ترسم  
اشک امروز من برای  
امام زمان(عج) نباشد  
و اگر باشد  
از جنس معرفت نباشد**



نویسنده: زهرا طاهریان

کارشناس ارشد مطالعات زنان

اما این تمام ماجرا نیست و وقتی به احادیث ائمه دقت می‌کنیم می‌بینیم وظایفی چون تلاش برای خانواده نیکی به همسر و فرزندان نیز از وظایف مردان نسبت به خانواده است "من اکل من کدیده، نظر الله الیه بالرحمه ثم لایعذبہ ابدًا".

چیدن وسایل تمام شد اما ذهن من همچنان مشغول تطبیق حقیقت و عمل بود. چقدر به آنچه می‌دانیم وظیفه‌مان هست عمل می‌کنیم تفاوتی ندارد چه زن و چه مرد هر یک در خانواده وظایفی دارند البته ناگفته نماند که در کنار وظیفه و تکلیفی که هر کدام در خانواده داشته باشیم حقوقی نیز داریم.

آنچه از کوچه پس کوچه‌های ذهن من گذشت تمام وظایف یک مرد به عنوان همسر در خانواده نبود.

دوزخی که هیزم و آتش آن مردم و سنگ‌ها هستند حفظ کنید که ماموران آتش فرشتگان بسیار خشن و سخت گیر که هرگز نافرمانی خدا نمی‌کنند و آنچه به آن‌ها گفته می‌شود فوری انجام می‌دهند.

یکی دیگر از وظایف هم برایم مشخص شد که مسئولیت مردان نسبت به خانواده است.

آیه "و اتو النساء صدقاتهنّ نحلّه" این آیه نیز یکی دیگر از وظایف مردان نسبت به همسرشان را نشان می‌دهد.

توانستم در ذهنم به جمع‌بندی برسم که چند مورد از وظایفی که در قرآن برای مردان مشخص شده است

تامین و پرداخت نفقه و مهریه، حسن معاشرت، مسئولیت داشتن نسبت به خانواده است.



با مامان مشغول آماده کردن ناهار بودیم که پدر درب خانه را باز کرد طبق معمول صدا زد میترا دخترم بیا خرید ها رو ببر ببین مامان مهر تایید میزنه یا چیزی از قلم افتاده.

وسایل رو توی آشپزخونه بردم. در حال چیدن وسایل بودم که ذهنم به سمت مباحثی که استاد تفسیر هفته قبل در کلاس مطرح کرده بود رفت، "علی المولود له رزقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف" چقدر جالب که برای تمام آنچه ما آن را جزء روزمره‌های زندگی می‌دانیم در قرآن آیه‌ای به آن اختصاص داده شده، طبق این آیه یکی از وظایف مرد به عنوان همسر تأمین و تهیه نفقه همسر و فرزندان است.

آیات یکی پس از دیگری به ذهنم می‌رسید... "عاشروهنّ بالمعروف" با همسرانتان به طور شایسته رفتار کنید؛ آیات به ذهنم می‌رسید و رفتار پدرم با مادرم را آنالیز می‌کردم تا ببینم چقدر یک مرد به عنوان همسر وظایفی که بر عهده‌اش است را عملی می‌کند.

آیه "یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم ناراً وقودها الناس و الحجاره علیها الملائکه غلاذ شداد لایعصون الله ما امرهم و یفعلون ما و مرون" ای کسانی که ایمان آوردید خود و خانواده‌تان را از آتش





یکی از آیات مشهوری که همه شنیدید آیه ۵ سوره قصص هست "و تَرِيدَ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ" خداوند می‌فرماید: ما اراده کردیم منت بگذاریم بر مستضعفین و می‌خواهیم آن‌ها را امانان زمین، رؤسا و فرماندهان زمین قرار بدهیم و می‌خواهیم آن‌ها را وارث ثروت و مکتب زمین قرار بدهیم (وارث در این آیه یعنی ثروت و قدرت). همه این آیه رو شنیدیم ولی معمولا کمتر بهش دقت میکنیم. اولاً همان طور که میدونید این آیه مربوط به آخرالزمان و ظهور امام عصر ارواحنا فداه هست.

آیه بعدی آیه ۱۱ سوره رعد که می‌فرماید: ما سرنوشت هیچ قومی رو تغییر نمیدیم مگر اینکه خود آن‌ها اقدام کنن برای تغییر سرنوشتشون. وقتی این دو آیه رو کنار هم بذاریم متوجه یه موضوع میشیم ای مستضعفینی که می‌خواید خدا شما را وارثان زمین قرار بده شما خودتون هم باید برای بیرون اومدن از استضعاف تلاش کنید. اصل فلسفه و دلیل به وجود آمدن جمهوری اسلامی همین است که در نهایت مستضعفین انقدر قوی بشن که ظرفیت پذیرش حکومت جهانی امام زمان(عج) رو داشته باشن برای همین بود که حضرت امام خمینی(ره)

در ادبیات جامعه کلمه غلبه مستضعفین بر مستکبرین رو جاری کرد. دو شرط وجود داره تا مستضعفین از این وضعیت بیرون بیان:

۱- زندگی مستضعفین به سبک زندگی اسلامی باشه.

۲- مدیران جامعه اسلامی مدیران لایق و شایسته‌ای باشن.

مردم ما اول خودشون باید مدیریت رو خوب یاد بگیرن و انقدر در مدیریت قوی بشن که مسئولین بگن نه بابا این مردم رو همیشه فریب داد! یا بخواد تصمیم غلط بگیره از مردم بترسه و مراقب باشه. مومنین باید از کودکی برای امام شدن و وارث شدن تربیت بشن. علت اصلی این موضوع اینه که عموم افراد روش مدیریت رو نمی‌دونن برای همین در شناخت و تشخیص مدیران خوب و بد دچار مشکل میشن. مدیریت ۳ بُعد داره یکی بُعد فردی که یک نفر باید بتونه خیلی خوب خودسازی کنه در واقع یعنی خودش و علاقه‌هاش رو به خوبی مدیریت کرده و قدرت مدیریت داشته باشه. یکی بُعد خانواده که انسان مومن باید سعی کنه خانوادشو به بهترین شکل مدیریت کنه و بُعد سوم بُعد اجتماعی و سیاسی در این بُعد افرادی موفق عمل میکنن که بُعد فردی و خانوادگی رو خوب عمل کرده باشن.



سبک زندگی اسلامی  
اصل قضیه  
تمدن سازی نوین اسلامی

وضو گرفتم و دو رکعت نماز خواندم و گفتم: خدایا خودت از نیتم خبر داری هر طور صلاح میدانی این کار را به سرانجام برسان بعدها در دست نوشته هایش خواندم: برای جلسه خواستگاری با وضو وارد شده و همه کارها را به خدا واگذار کرده رابی: همسر شهید غلامحسین افشردی حسن باقری



بعثت، ناجی زنان  
هنگام بعثت فقط بر منطقه عربی نبود که جاهلیت حاکم بود. در دو امپراطوری ایران و روم همین جاهلیت وجود داشت؛ در مسائلی حضور زنان در جامعه و معامله با زنان در تحقیر آمیز ترین شکل. اسلام آمد و خورشید معرفت اسلامی بر دلها تابید و با وجود جهالت عالم، این کاروان رشد انسانی با سرعت پیشرفت.



یک جا مرد کوتاه بیاید، یک جا زن این طور نیست که بگویم همه جا خانم باید از آقا تبعیت کند؛ نخیر. چنین چیزی نه در اسلام داریم نه در شرع. یا مثل برخی از این اروپا ندیده‌های بدتر از اروپا و مقلد اروپا، بگویم که زن بایستی همه‌کاره باشد و مرد باید تابع باشد. نه این هم غلط است. بالاخره دوتا شریک و رفیق هستید. یک جا مرد کوتاه بیاید، یک جا زن کوتاه بیاید. یکی اینجا از سلیقه و خواسته خود بگذرد، دیگری در جایی دیگر، تا بتوانید با یکدیگر زندگی کنید.

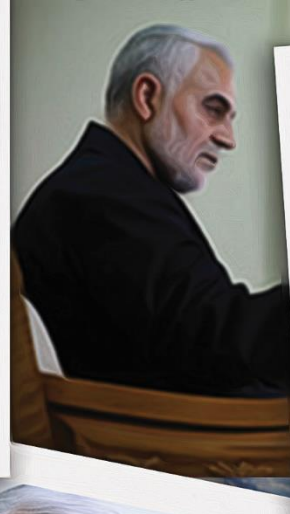
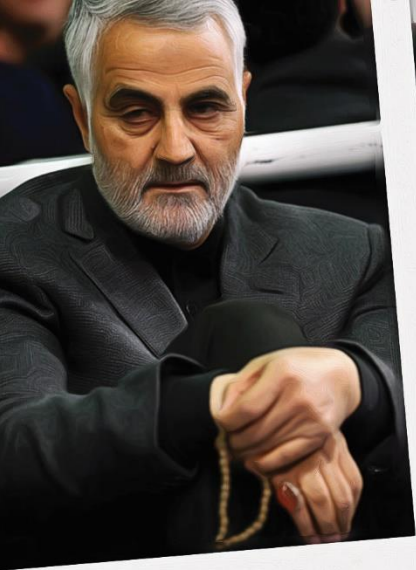


قناعت کنید، از قناعت خجالت نکشید. بعضی‌ها خیال می‌کنند که قناعت مال آدم‌های نهی دست و فقیر است و اگر داشت، دیگر لازم نیست قناعت کند. نه، قناعت یعنی در حد لازم، در حد کفایت، انسان توقف کند.









دانشگاه الزعفران